

تأملی در نامه حکیمانه مقام معظم رهبری به جوانان غرب

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ...﴾ آل عمران / ۶۴

مهدی شریعتی تبار^۱

جهان امروز گرچه به لحاظ تکنولوژی و صنعت به پیشرفت‌های عمیق و گسترده‌ای دست یافته است و در پرتو این پیشرفت‌ها و دستیابی به فناوری‌های گوناگون جامعه بشری معاصرو به ویژه جهان غرب از توان‌مندی‌ها و برخورداری‌های فراوانی در عرصه‌های مادی و اقتصادی بهره‌مند گشته است، ولی مشکلات عدیده‌ای هم برای بشر به وجود آورده و جهان را در معرض خطر و تهدید جدی قرار داده است. این مطلب که اجمالاً مورد قبول همه انسان‌های واقع‌بین است گویای این حقیقت است که علم و دانش و فناوری و صنعت به تنهایی قادر به تأمین سعادت و امنیت و رفاه و آسایش واقعی انسان‌ها نیست. قرآن کریم در یکی از آیات خود به زیبایی این حقیقت را بیان کرده است:

﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ﴾ (حج / ۱۵)؛ هر که می‌پندارد خدا او را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد [بگو] تا وسیله‌ای به سوی آسمان کشد، سپس [آن را] قطع کرده،

۱- مدیرعامل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

آن‌گاه بنگرد که آیا نیرنگش چیزی را که مایهٔ خشم او شده از میان خواهد برد؟
 براساس یکی از تفسیرهایی که برای این آیه یاد شده، معنای آن از این قرار است:
 کسی که باور دارد خدا او را یاری نمی‌کند و نیازی به یاری خداوند ندارد و در دنیا و آخرت
 می‌تواند بدون خدا و یاری او و با توان عقلی و علمی خود به سعادت و خوشبختی نائل
 شود، مدد و کمک بگیرد از اسباب و وسایل علمی و به آفاق آسمان و یا به اعماق زمین
 سفر کند و با بال علم و دانش و تکنیک و صنعت به تسخیر آسمان نائل آید، سپس یک
 لحظه این سیر علمی را قطع کرده، بنگرد و به تأمل بنشیند و ببیند که آیا این توانایی
 علمی توانسته موجبات خشم و غیظ و غضب و ناامنی او را برطرف نماید؟

این آیه، تمثیل زیبایی است از وضعیت بشر کنونی. جهان غرب و شرق به قدرت
 تکنیکی و تسلیحاتی گسترده‌ای دست یافته، ولی نتیجهٔ آن، آسایش و آرامش و امنیت
 نیست، بلکه افزایش ناامنی و وحشت و نگرانی است. اگرچه ناامنی و خشونت امروز به
 دلایلی که خواهد آمد، بیشتر دامن جهان اسلام و مردم منطقه خاورمیانه و بخشی از آفریقا
 را گرفته است، ولی دود این فتنه کم و بیش چشمان غریبان را نیز اشک آلود کرده و مهم‌تر
 از آن، وجدان عمومی بشر و از جمله انسان‌های برخوردار از وجدان انسانی را در جهان
 غرب به درد آورده است. اینجاست که همه انسان‌های بهره‌مند از فطرت و وجدان
 انسانی به ویژه اندیشمندان، در قبال این شرایط و وضعیت ناگوار مسئول‌اند و لازم است
 چاره‌ای بیندیشند.

قرآن کریم سکوت عالمان و اندیشمندان جامعه انسانی و تأیید این فجایع را با
 سکوت خود و نیز کتمان حقایق را موجب لعن خداوند و همه انسان‌های گرفتار آمده در
 این وضعیت می‌داند و حقیقت لعن چیزی جز دوری از سعادت واقعی و محرومیت از
 رحمت الهی که همان خوشبختی واقعی است، نخواهد بود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ
 يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ (بقره / ۱۵۹)؛ آنان که می‌پوشانند آنچه از حقایق روشن و
 هدایت‌گر را که نازل کرده و در کتاب آسمانی برای مردم بیان نمودیم، مورد لعنت و نفرین
 خداوند و لعن و نفرین همه انسان‌هایی که به سبب این کتمان، از سعادت محروم

شده‌اند قرار خواهند گرفت.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، فلسفه و دلیل پذیرش خلافت را همین مسئولیت الهی و وجدانی می‌دانند که متوجه عالمان جامعه انسانی است:

«أما والذي فَلَقَ الحَبَّةَ وِبراً النِّسْمَةَ لولا... ما اخذ الله على العلماءِ ألاّ يقاؤوا على كِظَّةِ ظالمٍ ولا سَعَبِ مظلومٍ لأَلْقَيْتُ حبلَهَا على غارِهَا»؛ به خدا سوگند اگر نبود اینکه خداوند از عالمان تعهد گرفته که در برابر ظلم و زیاده خواهی ظالم و گرسنگی و مظلومیت و تباہ شدن حق مظلوم سکوت نکرده و بی تفاوت نباشند، خلافت را نمی‌پذیرفتم.

بر اندیشمندان جامعه انسانی و بر رهبران فکری و فرهنگی و مصلحان جامعه بشری لازم است چاره‌ای بیندیشند و برای نجات انسان‌ها از این اوضاع نابسامان فکری کنند. در غیر این صورت زندگی انسانی دچار آسیب جدی خواهد شد.

رهبر حکیم و دلسوز و فرزانه انقلاب اسلامی در جایگاه یک مصلح واقعی و خیرخواه امین، با الهام از آموزه‌های دینی و قرآنی و براساس مسئولیت الهی و انسانی قلم به دست گرفته و جوانان مغرب زمین را مخاطب قرار داده‌اند.

قابل ذکر است که نگارش نامه و ارسال پیام از طرف ناصحان دلسوز و خیرخواهان جامعه بشری برای اشخاص و قشرهایی از مردم جهان و دعوت آنان به تأمل و اندیشیدن پیرامون مسائل مشترک فکری و نیز دعوت به تعامل و همکاری برای حل مشکلات جهان و تلاش جمعی برای پاسداری از امنیت و سلامت جامعه انسانی، موضوعی است که در قرآن کریم بارها آمده است. قرآن کریم بعثت پیامبران و دعوت آنان را در راستای تحقق همین هدف معرفی نموده است. پیامبران آمده‌اند تا با تعلیم کتاب و حکمت و تربیت انسان‌ها و یادآوری مسائلی که در عقل و فطرت آدمی ریشه دارد، آنها را به سوی سعادت واقعی هدایت نمایند.

آیه‌ای که در صدر این نوشتار آمد، امر به ارسال همین پیام توسط پیامبر اکرم به جوامع

۱- نهج البلاغه، خطبه ۳ معروف به شقشقیه.

غیرمسلمان و اهل کتاب می‌کند و می‌فرماید: «ای رسول ما بگوای اهل کتاب بیایید همه ما بریک کلمه و حقیقتی که بر آن اتفاق نظر داریم جمع شده و بر طبق آن عمل کنیم و آن حقیقت این است که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و برخی از ما بعضی دیگر را به جای خدا ارباب و صاحب اختیار قرار ندهیم.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این آیه دعوت به توحید را در مقام نظر و اندیشه و نیز دعوت به نفی شرک و نپذیرفتن سلطه طاعت‌ها و صاحبان زر و زور را در مقام عمل مطرح می‌کند. و به راستی ریشه تمام مشکلات امروز جهان هم همین مسئله است. اگر همه مردم بنده و مطیع خداوند یکتا و یگانه باشند و براساس بینش توحیدی، استعمارگری و به بندگی کشیدن انسان‌ها از میان رفته، مساوات و عدالت میان ابناء بشر حاکم گردد، هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی و استثمارگری و سلطه‌طلبی که ریشه مشکلات جهان است ریشه‌کن خواهد شد.

پیامبر گرامی اسلام به دنبال این مأموریت الهی در سال هفتم هجرت پس از صلح حدیبیه و پس از رفع فتنه‌گری‌های یهودیان پیمان شکن، نامه‌هایی را به رؤسای کشورها و قبایل ارسال کردند و در برخی از آن نامه‌ها مانند نامه به مقوقس بزرگ مصریان و نجاشی پادشاه حبشه و امپراتور روم، این آیه را در صدر کلامشان ذکر کردند.

در تاریخ انقلاب اسلامی ایران نیز امام خمینی علیه السلام پس از دوران جنگ تحمیلی نامه‌ای به صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی نوشته و در آن ضمن دعوت خیرخواهانه گورباچف به توجه به ندای فطرت انسانی اش که عقیده به مبدأ و معاد است، او را به دست برداشتن از مبارزه بی‌فرجام با دین، و برحذر بودن از توطئه‌های نظام لیبرالیستی و سرمایه‌داری غرب به سرکردگی آمریکا فراخواندند.

اینک رهبر فرزانه انقلاب اسلامی این اقدام مبارک و خیرخواهانه را استمرار بخشیده و تاکنون دو نامه عالمانه و زیبا برای جوانان غربی ارسال نموده‌اند.

نکات و مطالب ذیل می‌تواند بخشی از مستندات و ریشه‌های این اقدام باشد:

۱. اهمیت و ضرورت پیام‌رسانی

قرآن کریم ابلاغ پیام‌های الهی را که ریشه در عقل و فطرت آدمی دارد یک وظیفه برای رجال الهی می‌داند و در مقام ستایش از آن می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾؛ (احزاب / ۳۹)؛ [پیامبران الهی که مصلحان و خیرخواهان واقعی بشنند] کسانی هستند که پیام‌های الهی را به مردم ابلاغ می‌کنند و فقط از خداوند خشیت دارند و جز او از دیگری نمی‌هراسند (خشیت از خدا به دلیل نگرانی از کوتاهی در ابلاغ پیام است) و خداوند برای حسابرسی کفایت می‌کند.

نمونه دیگر قرآنی داستان مؤمن آل فرعون است که در آیات ۲۸ - ۴۵ سوره غافر ذکر شده و این انسان مؤمن و خیرخواه، مردم را و فرعون و عوامل او را به سوی آموزه‌های فطری دعوت می‌کند و هنگامی که فرعون و یارانش نقشه قتل و ترور موسی عليه السلام را می‌کشند خطاب به آنان می‌گوید: ﴿أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ...﴾ (غافر / ۲۸)؛ آیا می‌خواهید انسانی را بکشید به دلیل اینکه به خداوند یکتا ایمان دارد و برای شما دلایل روشن از جانب پروردگارتان ارائه کرده است. او برای اثبات دعوتش هم معجزه آورده و هم محتوای پیامش با عقل و وجدان شما هماهنگی دارد. وانگهی او اگر دروغ بگوید دامن خودش را خواهد گرفت و اگر راستگو باشد حداقل بخشی از وعده‌های او به شما خواهد رسید.

در ادامه این آیات، دعوت مصلحانه و حکیمانه این انسان مؤمن و مصلح به عبارات گوناگون استمرار یافته، تا به اینجا می‌رسد که می‌گوید: ای قوم من بر شما نگرانم از اینکه چنانچه به ندای فطرتتان پاسخ مثبت ندهید و از راه عناد و دشمنی با حق دست برنذارید، در دنیا دچار فساد و هلاکت شوید و فرهنگ و تمدن شما همانند پیشینیان نابود گردد و در آخرت نیز دچار عذاب الهی شوید.

نمونه دیگر از این مصلحان بشری که در قرآن آمده، مؤمن آل یاسین است که در سوره یاسین از او یاد شده او نیز با صداقت و دلسوزی مردم را به حق دعوت می‌کرد و می‌گفت:

از پیامبران الهی اطاعت کنید؛ زیرا آنها از هدایتی پایدار و واقعی برخوردار بوده، از شما اجرای مطالبه نمی‌کنند.

آنچه این دعوت را توجیه نموده و ضرورت می‌بخشد، اولاً هماهنگی محتوای آن با عقل و فطرت است. همه انسان‌ها از نعمت عقل طبیعی و خرد فطری برخوردارند و دارای وجدان و فطرتی مشترک هستند. گرایش به خداوند به عنوان کمال مطلق و موجودی که همه به او نیازمندند و او بی‌نیاز، و اعتقاد به زندگی ابدی و گرایش به عدالت، آزادگی، زیبایی، علم و دانش و حقیقت و تنفر از ظلم و ستم و تبعیض و ده‌ها مسئله دیگر در حوزه نظر و عمل، از همین اشتراکات فطری همه انسان‌ها فارغ از دین و رنگ و نژاد و ملیت است.

ثانیاً احساس مسئولیت در قبال انسانیت است. در منطق عقلانی و انسانی اسلام، همه انسان‌ها جدای از رنگ و نژاد و زبان و ملیت و دین، از گوهر مشترک انسانی برخوردارند و دارای حقوقی مشترک و مساوی می‌باشند؛ مانند حق حیات و زندگی، حق سلامت و امنیت، و حق آزادی و استقلال. این حقوق باید محترم شمرده شود و مورد تعرض قرار نگیرد. همه مردم در این زمینه مسئولیت دارند که به جان و مال و آزادی و حقوق دیگران تجاوز نکنند و در برابر تعرض کنندگان نیز بایستند و روشنگری کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند. تا آنجا این مسئله اهمیت دارد که اسلام تعرض به جان یک انسان را تعرض به جان همه انسان‌ها دانسته و نجات یک انسان را به مثابه نجات جامعه بشری قلمداد کرده است:

﴿... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾؛ (مأئده /

۳۲).

و چه خوب گفته و نیکو دَرّ سخن سفته مصلح الدین سعدی شیرازی که شایسته است این سخن نصب العین همه قدرت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باشد:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

توکز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

۲. حقیقت طلبی و عدالت خواهی جوانان

نکته دیگری که در نامه مقام معظم رهبری قابل تأمل است، این است که نامه خطاب به جوانان جهان غرب نوشته شده است. دعوت جوانان از این رو صورت گرفته که جوانان به فطرت انسانی خود نزدیک‌ترند و هنوز فطرت عدالت خواهی و آرمان‌گرایی و آزادی و استقلال طلبی و روحیهٔ ظلم ستیزی در آنها اسیر هواهای نفسانی و زیاده‌خواهی‌های استکباری نشده است.

علاوه بر این، جوانان قشر فعال و تأثیرگذار جامعه هستند و توجه دادن آنها به مسائل جهانی و دردهای جامعه بشری، اهمیت و نقش بیشتری در حل مشکلات خواهد داشت.

در تعلیمات اسلامی به جوانان اهمیت خاصی داده شده است. امام صادق علیه السلام در دستوری به یکی از اصحابش می‌فرماید: «علیک بالاحداث، فانهم اسرع الی کلِّ خیر»؛ بر شما باد به جوانان؛ زیرا آنها زودتر به هر خیری توجه کرده و به سوی آن می‌شتابند. در صدر اسلام بیشترین گرایش به آموزه‌های وحیانی و عقلانی اسلام و تعلیمات زیبای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بین قشر جوان جامعه بود، تا جایی که سران قریش می‌گفتند این شخص (پیامبر) جوانان ما را به تباهی کشانده و بردگان ما را یاغی کرده، و... .

۳. اسلام دین رحمت و سماحت

مطلب دیگر در این نامه، محتوای آن است. مقام معظم رهبری در این نامه مسئله تروریسم و خشونت را مطرح نموده‌اند؛ موضوعی که در تعلیمات حیات بخش اسلام مردود است. اسلام دین رحمت است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ (انبیاء / ۱۰۷). پیامبر گرامی اسلام در سیزده سال زمان حضورشان در مکه مأمور به جهاد و دفاع با

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۸، ص ۹۳.

شمشیر از خود و یاران‌شان نبودند و با صبر و استقامت و تحمل سختی‌ها و شکنجه‌ها و تحریم‌ها و شرایط دشوار شعب ابی‌طالب و احیاناً هجرت و تبعید برخی از اصحاب‌شان، این دوره سخت را سپری کردند.

بعد از هجرت هم اولین آیاتی که اذن دفاع داد در سوره مبارکه حج است که فقط به مسلمانان اجازه داده شده است که در برابر ظالمان و ستمگران از خود دفاع کنند؛ چون اگر دفاع نباشد همه نمادهای تمدن انسانی از هم فرومی‌پاشد و به تعبیر آیه دیگری از قرآن، فساد و تباهی جهان را فرا خواهد گرفت. با این حال، در دستورات جنگی و دفاعی اسلام و پیامبر اکرم نیز بر رعایت اصول انسانی بسیار تأکید شده است؛ موضوعی که امروزه از طرف دولت‌های مستکبر غربی و عوامل آنها اصلاً رعایت نمی‌شود.

اسلام از خشونت و ترور نهی می‌کند. بنابراین آنچه امروز در جهان به ویژه منطقه اسلامی به چشم می‌خورد و اعمال گروه‌هایی به نام داعش، القاعده، طالبان و... با آموزه‌های اسلامی و قرآنی به هیچ وجه هماهنگی ندارد. باید ریشه این خشونت را در دو عامل جستجو کرد:

۱- جهل و نادانی همراه با تعصبات قومی و مذهبی که به ویژه این تعصبات مذهبی از طرف مسلک وهابیت و خصوصاً حکومت عربستان سعودی ترویج و حمایت می‌شود.

۲- عامل دوم خشونت‌ها، فقر و تبعیض و بی‌عدالتی‌های تحمیل شده از سوی امپریالیسم بین‌المللی است که همه از آن با خبریم و شرح آن غم‌انگیز است.

آری تحقق امنیت و آرامش از دست رفته و مقابله با خشونت و تروریسم باید مطالبه عمومی بین مردم جهان و به ویژه جوانان باشد و از دولت‌های خود بخواهند که عزم و اراده جدی در قطع ریشه‌های خشونت داشته باشند. راه حل آن نیز دست برداشتن از روحیه استکباری و استعمارگری و تبعیض و بی‌عدالتی و نیز قطع کمک و حمایت از ظالمان و ستمگران و تروریست‌ها می‌باشد.

در پایان، با عنایت به اینکه این شماره از مجله مشکوة و نیز این نوشتار در ایام مبارک دهه فجر انقلاب شکوهمند اسلامی ایران تنظیم می‌گردد، این مناسبت مبارک و فرخنده را به همه خوانندگان عزیز تبریک می‌گوییم.